



فلسفه توسل

محسن غرویان

مقدمه

یکی از معارف مسلم و مشهور مکتب تشیع مسئله توسل به اولیاء الهی و معصومین (ع) و بزرگان دین، برای رفع مشکلات و بر آورده شدن حاجات مشروع است، از سویی معاندین و مخالفین فرهنگ تشیع همواره در طول تاریخ، مسئله توسل را مشوه جلوه داده و عقیده به آن را به منزله شرك به خداوند قلمداد کرده اند و از این طریق تشیع را به نسبت‌های ناروایی متهم ساخته اند. در عصر ما وهابيون - که بحق آلت دست استعمار و استکبار جهانی هستند - بیش از دیگران به این نسبت‌های ناروا و تهمت‌های بیجا دامن می‌زنند. ابن تیمیة (متوفای ۷۲۸ق) که پایه‌گذار وهابیت است، توسل به پیامبر و طلب حاجت از حضرتش را، شرك نسبت به خداوند و آزار و اذیت

خود پیامبر (ص) می‌پسندارد و زیارت قبر معصومین (ع) و تضرع و استغاثه در بارگاه آنان را بت پرستی می‌شمارد^۱ وی توسل را به معنی ندا کردن شخص معدوم دانسته و آن را عملی حرام می‌داند.

محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵ - ۱۲۰۶ق) نیز که از رهبران فرقه وهابیت است، می‌گوید: خطاب کردن شخص معدوم قبیح است؛ چرا که مرده هرگز توانایی پاسخگویی ندارد.^۲

ما معتقدیم که همه این ناروا گوییها ناشی از عدم درک صحیح آنان از مسئله توسل در مکتب تشیع است. و البته این مطلب را نیز نفی نمی‌کنیم که وهابیت معاصر به خاطر اغراض پلید استعماری عالماً و عامداً سعی در تحریف معارف شیعی دارد، گرچه رهبران وهابیت خود می‌دانند که حقیقت این معارف، خلاف پندارهای باطل آنان است. ما در این مقاله برآنیم که به اختصار اشارتی به فلسفه توسل داشته باشیم و این مسئله را از دیدگاه عقل و نقل بررسی کنیم:

معنای لغوی توسل

توسل در لغت به معنای تقرّب به غیر، از طریق ابزار، عمل یا شخص دیگر می‌باشد. «وَسَّلَ» نیز به همین معنا به کار می‌رود. در المنجد آمده است:

وَسَّلَ وَتَوَسَّلَ إِلَى اللَّهِ بِعَمَلٍ أَوْ وَسِيلَةٍ: عَمِلَ عَمَلًا تَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِ تَعَالَى.

و وسیله به معنای چیزی است که با آن، این تقرّب حاصل می‌شود: الوَسِيلَةُ: مَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى الْغَيْرِ. توسل به معنای تضرع، استجداء [استعطاء]، التماس، استرحام، استدعا، و تذرّع، نیز آمده است.^۳

معنای اصطلاحی توسل

توسل به معنای مصطلح در فرهنگ شیعی را می‌توانیم به صورت زیر تعریف کنیم:

- ۱ - نگاه کنید به: وهابگیری، همایون همتی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۷۲.
- ۲ - نگاه کنید به نقدی بر اندیشه وهابیان، تألیف سید حسن موسوی قزوینی، ترجمه حسن طارمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۶۷.
- ۳ - المورد، قاموس عربی - انگلیزی، الدكتور روحی البعلبکی، بیروت، طبعه جدیدة، ۱۹۹۰.

توسّل عبارت است از خواستن حقیقی از حقیقت وجودی انسانهایی برگزیده و کامل برای وساطت در امر خیری مربوط به دنیا یا آخرت. از این تعریف چندین مطلب به دست می‌آید:

ا: بدیهی است که توسّل صرفاً لقلقهٔ زبان نیست، بلکه خواستنی حقیقی می‌باشد.

ب: روشن است که در توسّل، ما هرگز از قبر یا بدن فیزیکی و جسم پیامبر یا امام و... چیزی طلب نمی‌کنیم، بلکه از حقیقت وجودی آنان که به عقیده ما نفس نبوی و یا ولوی آنان است، استمداد می‌کنیم.

ج: متوسّل به می‌بایست نسبت به متوسّل از کمال و مرتبت وجودی بیشتر و بالاتری برخوردار باشد؛ چرا که وساطت جز در این صورت که واسطه، فوق متوسّل و دون متوسّل الیه باشد، معنا ندارد.

د: توسّل میبایست در امر خیر یعنی امری که منافاتی با نظام احسن الهی ندارد، باشد.

ه: موضوع توسّل می‌تواند امر خیر دنیوی و یا اخروی باشد.

و: ظرف توسّل دنیاست، به خلاف شفاعت مصطلح که ظرف آن، جهان آخرت است.

برخی شفاعت به معنای عام و لغوی آن را در تعریف توسّل آورده و چنین گفته‌اند:

الاستغاثة بالنبي (ص) و بإخوانه النبيين والمرسلين و بالأولياء و الصالحين، هي عبارة عن سؤال الشفاعة منهم لقضاء الحوائج و دفع النوائب و تفریح الكروب.^۲

روشن است که شفاعت در تعریف فوق به معنای وساطت است و نه به معنای شفاعت مصطلح که ظرف تحقق آن قیامت می‌باشد.

.....

۴ - الاسلام السعودي الممسوخ، الاستاذ السيد طالب الخرسان، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵.

توسّل، نوعی شفاعت در دنیا است

معنای اصطلاحی شفاعت، واسطه شدن شخص در قیامت برای بهره‌مندی دیگران از فیض و رحمت الهی است.^۵ با توجه به این معنا می‌توان گفت که اگر این گونه وساطت در همین جهان نیز واقع شود، نوعی شفاعت محسوب می‌شود، و طلب کردن این گونه وساطت نیز، نوعی شفاعت خواهی است که در فرهنگ اسلامی ما از این مسئله تحت عنوان توسّل یاد شده است.

بنابراین می‌توان گفت توسّل عبارت است از خواستن و تقاضا کردن از شخصی در دنیا برای وساطت در حصول نعمت و سعادت و یا رفع نعمت و شقاوت دنیوی یا اخروی که جامع این دو، همان معنای خیر است و خیر امریست که هماهنگ با نظام احسن الهی باشد. از همین رو است که شرور نمی‌توانند متعلّق نذر و امثال آن و نیز موضوع توسّل باشند؛ چون در قلمرو اراده الهی و خواست وساطت قرار نمی‌گیرند.

آنچه در اینجا قابل تذکر و توجّه است این است که توسّل هرگز به معنای طلب وساطت تکوینی نیست. یعنی، در توسّل درخواست این مسئله نیست که شخص واسطه، خود در سلسله علل تکوینی مطلوب واقع شود و آن را به وجود آورد، بلکه تنها به این معناست که او نیز دعا کند و از خدا بخواهد که حاجت و نیاز شخص متوسّل برآورده شود، و به بیان دیگر از خداوند بخواهد که دعاهای شخص متوسّل، مستجاب گردد.^۶ حاجت می‌بایست حاجت مشروع یعنی موافق با نظام اسباب و مسببات باشد تا در راستای اراده متوسّل به مثل نفوس انبیاء و اولیاء الهی و متوسّل الیه یعنی خداوند قرار گیرد. سرّ اینکه برخی توسّلات و دعاهای ما اجابت نمی‌شود همین است که با نظام کلی هستی که نظام احسن است سازگار نیست. شکی نیست که شرط مؤثر بودن توسّلات این است که افرادی که برای

۵ - نگاه کنید به: مقاله شفاعت، از این قلم در نورعلم، شماره ۴۶.

۶ - البته این نکته معقول و مقبول است که بگوییم خود توسّل و دعا می‌تواند در سلسله علل تکوینی یک پدیده قرار گیرد ولی این سبب غیر از اسباب عادی آن پدیده خواهد بود.

وساطت مورد توسل قرار می‌گیرند، افرادی شایسته و برگزیدگانی وارسته باشند که در خواستشان در پیشگاه الهی مقبول افتد و به اصطلاح «مُسْتَجَابُ الدَّعْوَةِ» باشند، اینان کسانی هستند که اراده و مشیت آنها فانی و منْدَك در اراده الهی و مطابق نظام الهی است. هر موجودی که در مقایسه با شخصِ متوسل، قرب بیشتری نسبت به خداوند داشته باشد، ثبوتاً می‌تواند مورد توسل قرار گیرد،^۷ اما اثباتاً مصداق روشن و متیقن متوسل به، معصومین علیهم السلام هستند که از طریق روایات به ما معرفی شده‌اند.

آیات قرآن در زمینه دعا و توسل

چنانکه گفتیم توسل به معنی طلب دعا می‌باشد و جوهر توسلات همان دعاست. اینک باید دید آیا از دیدگاه قرآن اصل دعا و درخواست از مسبب الاسباب یعنی خداوند تعالی امری مقبول و منطقی است؟

قرآن کریم نمونه‌های متعدد از این گونه توسلات و درخواستها را نقل کرده است که اینک به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

برخی از آیات در باره حضرت ابراهیم (ع) است که برای اهل مکه از خداوند درخواست نعمت می‌کند. روشن است که وقتی دعای حضرت ابراهیم (ع) در حق اهل مکه است و نه در حق خود، مفهوم توسل و وساطت در دعا و طلب، بخوبی صادق است، گرچه دعا برای خود، مصداق توسل مصطلح نیست، دعای حضرت ابراهیم (ع) چنین است:

۱ - وَإِذَا قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...^۸

و آن هنگام که ابراهیم به درگاه الهی عرضه داشت: ای پروردگار من، تو خود این سرزمین را در امنیت و آسایش گیر، و اهل آن را از ثمرات و نعمتهای خویش بهره‌مند ساز، آنها

۷ - مؤلف «نقدی بر اندیشه وهابیان» در ص ۷۷ به نقل از صحیح بخاری می‌نویسد که خلیفه دوم در هنگام قحطی و خشکسالی به عباس عموی پیامبر متوسل شد و حاجتش روا شد.

۸ - سوره بقره (۲): ۱۲۶.

که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌اند....

۲ - رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ^۹.

پروردگارا در بین این قوم فرستاده‌ای از میان خودشان برگزین که آیات تو را بر آنها تلاوت نماید و آنان را کتاب و حکمت آموزد و از پلیدیها پاکشان سازد.^{۱۰}

در بعضی آیات، حضرت ابراهیم (ع) برای خود، پدر و مادر خویش و دیگر مؤمنین از خداوند طلب آمرزش و مغفرت می‌نماید:

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.^{۱۱}

پروردگارا، رحمت و مغفرت خویش را در روز حسابرسی اعمال، نصیب من و والدینم و دیگر اهل ایمان بفرما.

حضرت موسی (ع) نیز به پیشگاه خدا عرضه می‌دارد:

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.^{۱۲}

ای پروردگار من، من و برادرم (هارون) را مورد مغفرت و آمرزش خویش قرار ده و ما را در رحمت خویش داخل گردان، و همانا تو مهربانترین مهربانانی.

بنابراین دعای حضرت ابراهیم و حضرت موسی علیهما السلام برای دیگران - چنانکه گفتیم - مصداق توسل است.

فرشتگان وسیله تقرب هستند

ملائکه الهی از آن حیث که از سعه و مرتبت وجودی بالا و والایی برخوردارند می‌توانند به عنوان متوسل به برای دیگران، اسباب تقرب و وسیله مغفرت باشند و لذا بر اساس آیات قرآن کریم ملائکه الهی در حق مؤمنین دعا می‌کنند و از پیشگاه خداوند برای آنان طلب آمرزش می‌کنند:

۹ - سوره بقره (۲): ۱۲۹.

۱۰ - از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فرمود: أَنَا دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ. (من همان دعوت حضرت ابراهیم هستم).

۱۱ - سوره ابراهیم (۱۴): ۴۱.

۱۲ - سوره اعراف (۷): ۱۵۱.

...رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا، فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ
 الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَ
 ذُرِّيَّتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ، وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ،
 وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.^{۱۳}

(ملآنکه الهی عرضه می‌دارند:) پروردگارا، علم و رحمت تو همه چیز را فراگرفته است، پس آنان را که توبه کرده‌اند و راه تو را پیش گرفته‌اند بیامرز و از عذاب دوزخ رهایشان ساز، بار الها آنها را در بهشت عدن (و برین) که وعده‌شان داده‌ای همراه با پدران و مادران و همسران و فرزندان‌شان که صالحند داخل گردان که براستی تویی خداوند مقتدر حکیم، و مؤمنان را (به لطف و عنایت خود) از ارتکاب اعمال زشت مصون دار که هرکس را از زشتکاری محفوظ داری او را مورد عنایت و رحمت خود قرار داده‌ای و این است که براستی رستگاری و فیروزی به شمار می‌رود.

در مواردی خداوند به پیامبر(ص) خطاب می‌کند که در مورد زنان و مردان با ایمان و پیروان خویش، عفو و گذشت داشته باشد و برای آنان طلب آمرزش نماید. مدلول التزامی این امر این است که دیگران نیز از پیامبر(ص) طلب وساطت نمایند و به ایشان متوسل شوند تا تقرّب بیشتری به خداوند پیدا کنند:

۱ - ...فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ...^{۱۴}

(ای پیامبر ما) از خطاهای مردم درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن.

۲ - ...وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.^{۱۵}

برای مؤمنان از خداوند طلب مغفرت کن، که براستی خداوند بخشنده و مهربان است.

۳ - وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.^{۱۶}

برای زنان مؤمن از درگاه الهی طلب آمرزش نما که براستی خداوند بخشنده و مهربان

است.

۱۳ - سوره مؤمن (۴۰): ۷ - ۹.

۱۴ - سوره آل عمران (۳): ۱۵۹.

۱۵ - سوره نور (۲۴): ۶۲.

۱۶ - سوره ممتحنه (۶۰): ۱۲.

آنچه در تمامی آیات گذشته به آن اشاره شده است، واسطه شدن انسانی شایسته و برگزیده، در بارگاه خداوند و درخواست و تقاضای او در حق خود و دیگران در همین دنیا است که اگر در حق خود و به طور مستقیم باشد مصداق توسل مصطلح نیست و اگر در حق دیگران باشد مصداق توسل است. نکته قابل توجه این است که اگر انسان از طریق حقیقت *یک* عمل شایسته مثل نماز، توسل به خداوند پیدا کند در این صورت گرچه توسل مصطلح اطلاق نمی‌شود اما می‌توان این عمل را وسیله متوسل به و مشخص مصلی را متوسل و خداوند را متوسل الیه نامید.

سوالات و شبهات در باب توسل

سؤال اول: با توجه باینکه خداوند نسبت به همه بندگان خویش با بیانی عام و همگانی فرموده است که همه می‌توانند دست نیاز به درگاه او دراز نموده و خود مستقیماً از او چیزی بخواهند^{۱۷} آیا توسل پیدا کردن به شخص دیگر برای واسطه شدن در درگاه الهی با توحید در استعانت و با توحید در دعا - به این معنا که تنها از خدا چیزی بخواهیم - منافات ندارد؟

پاسخ: به طور کلی می‌گوییم: توسل به هیچ وجه اشکالی ندارد و با توحید در دعا نیز هیچ گونه منافاتی نخواهد داشت؛ چرا که:

* اولاً: این *یک* امر عرفی است که وقتی کسی بخواهد از شخص دیگری تقاضای امر مهم و با ارزشی را بنماید در پی آن بر می‌آید که شخص سومی را که رابطه نزدیکتری با فرد مورد نظر دارد، بیابد و او را واسطه قرار دهد، شاید که مطلوب حاصل شود. لذا با توجه به اینکه افراد انسانها از نظر درجات و مراتب قرب الهی با یکدیگر اختلاف دارند، افراد معمولی می‌توانند انسانهای والاتر و شایسته‌تر را در پیشگاه خداوند واسطه قرار داده، از طریق آنان حاجت خود را از خداوند طلب نمایند. منظور از عرفیت این امر، این است که اتخاذ وسیله و واسطه،

۱۷ - چنانکه در سوره بقره (۲): ۱۸۶ آمده: *وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ. فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ.*

ریشه در فطرت انسان دارد و لذا توسّل به بزرگان و برگزیدگان الهی هماهنگ با فطرت و ارتکاز اولیه انسان نیز هست.

* ثانیاً: در خود قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آنها به گروهی امر شده است که بایستی نزد پیغمبر(ص) آمده از ایشان بخواهند که برایشان طلب آمرزش و مغفرت نمایند و چون چنین نکرده و نمی‌کنند مورد توبیخ قرار گرفته‌اند و این توبیخ حاکی از مقبولیت، مشروعیت و مطلوبیت توسّل در نزد خداوند است:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا.^{۱۸}

و اگر آن هنگام که گروه منافقان با نفاق و گناه بر خویش ستم کردند، از کردار خود توبه نموده به نزد تو (پیامبر- ص) می‌آمدند که تو نیز برای آنها استغفار کنی و از خدا طلب آمرزش نمایی، البته خداوند را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.

چنانکه در مورد برادران حضرت یوسف(ع) در قرآن کریم آمده است که پس از انجام خطاها و اشتباه کاری‌ها در حق حضرت یوسف(ع) به نزد پدر خویش حضرت یعقوب(ع) آمده از او خواستند که برای آنان از درگاه خداوند طلب مغفرت نماید و آن حضرت نیز درخواست آنان را رد نکرد و این خود دلیل تأثیر توسّل از سوی آن حضرت است:

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^{۱۹}

گفتند: ای پدر، برای ما از خداوند آمرزش بخواه؛ زیرا ما خطا کرده‌ایم. گفت: بزودی از پیشگاه پروردگارم برایتان طلب مغفرت خواهم نمود؛ خدایی که آمرزنده و مهربان است.

ابتغاء وسیله

در دو آیه از آیات قرآن مسئله ابتغاء وسیله یعنی جستجو و گزینش راه و وسیله برای قرب به پروردگار، مطرح شده است. در آیه ۵۷ سوره اسراء می‌خوانیم:

۱۸ - سوره نساء(۴): ۶۴.

۱۹ - سوره یوسف(۱۲): ۹۷ - ۹۸.

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ.

معبودهایی غیر از خداوند (مثل مسیح و فرشتگان)، خود، خدا را می‌خواهند و برای تقرّب به او وسیله‌ای می‌جویند.

در آیه دیگر به مؤمنین دستور داده شده است که برای تقرّب به خداوند، وسیله اتخاذ کنند و تقوای حقیقی جز از راه اتخاذ وسیله (توسّل) نخواهد بود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ.^{۲۰}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای خدا پیشه کنید و برای خویش در نزد او وسیله و راه جستجو کنید.

ممکن است منظور از کلمه وسیله در آیه مذکور، مطلق اعمال صالح باشد که وسیله تقرّب الی الله می‌باشند، بر اساس آنچه از بعضی روایات به دست می‌آید مراد از آن، مقام خاصی است که به پیامبر اسلام (ص) از طرف خداوند عطا شده است و بنا بر تعدادی دیگر از روایات، ائمه معصومین (ع) خود تصریح فرموده‌اند که:

به خدا سوگند مراد از وسیله در این آیه، ما چهارده معصوم هستیم.^{۲۱}

در آیه دیگر خداوند، عدم توسّل به انسانهای برگزیده‌ای چون پیامبر (ص) را نشانه استکبار و خود بزرگ بینی می‌داند و در مورد منافقین می‌فرماید:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُءُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ.^{۲۲}

و آن هنگام که به آنها (منافقین) گفته شود به نزد رسول خدا آید تا از درگاه خداوند برایتان طلب مغفرت نماید، سر می‌پیچیدند و می‌بینی که از روی تکبر و نخوت روی بر می‌تابند. بنابراین در خود آیات قرآن کریم نیز به توسّل و واسطه طلبی در پیشگاه خداوند امر شده است.

۲۰ - سوره مائده (۵): ۳۵.

۲۱ - به تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۳۳ مراجعه شود.

۲۲ - سوره منافقون (۶۳): ۵.

* ثالثاً: باید دانست که توسل جستن و واسطه قرار دادن انسانهای برگزیده و شایسته‌ای همچون انبیا و ائمه و... وقتی با توحید در دعا منافات پیدا می‌کند که بخواهیم آنان را در عرض خداوند قرار داده و مستقلاً از آنان چیزی بخواهیم. که در این صورت توسل به معنای شرك ورزیدن به خدا و رقیب تراشیدن برای او می‌شود، اما توسل جستن به ائمه علیهم السلام هرگز به این معنا نیست که آنها نیز در کنار خداوند ربوبیت و تدبیر امور و اجابت حوایج مردم را مستقلاً به عهده داشته باشند بلکه - چنانکه اشاره کردیم - توسل یافتن تنها به معنای واسطه قرار دادن انسانهای والاتری است که در پیشگاه خداوند، مقام و منزلت بالاتری داشته و از قرب بیشتری برخوردارند. در عین حال می‌دانیم که اینان خود از مصادیق بارز و کامل بنده و عبد الهی هستند و بالاترین افتخارشان نیز رسیدن به مقام عبودیت خالص و محض برای ذات پروردگار است و ما نیز از همین حیث عبودیت و بندگی است که برای آنان مقام و مرتبتی والا قائلیم. از این روست که در مقام یاری جستن از پیشگاه حضرت بقیة الله الاعظم امام عصر (عج) خطاب به آن بزرگوار می‌گوییم:

لَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعَلَّمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَ مَقَاماً مَحْمُوداً.

(ای پیشوا و سرور من) تنها به تو چشم امید دوخته و تنها از تو طلب حاجت نمودم؛ زیرا می‌دانم شفاعت تو در نزد پروردگار مقبول است و در بارگاه کبریایی او از مقام و ارجی عظیم و شایسته برخوردارم.

و در پایان زیارت جامعه نیز بر این نکته تأکید می‌شود که اگر ائمه و پیشوایان دین، واسطه قرار داده شده و به آنان توسل جسته می‌شود صرفاً به این خاطر است که بندگانی شایسته و مقرب درگاه الهی می‌باشند و لذا می‌توانند در رفع گرفتاریها و برآوردن نیازها، شفیع باشند.

در زیارت جامعه می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ (ص) وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيَّمَةِ
الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَائِي. ۳۳

۳۳ - مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی (ره)، زیارت جامعه.

خدایا براستی اگر شفیعیانی نزدیکتر به تو از محمد(ص) و خاندان نیک او - که پیشوایان راستین و وارسته‌اند - می‌یافتم، هر آینه آنها را به عنوان شفیع در آستان تو انتخاب می‌نمودم. اراده معصومین(ع) فانی و مندک در اراده و خواست خداوند است و به همین جهت، به مقام والای عبودیت نائل شده‌اند و می‌توانند واسطه و وسیله قرب دیگران باشند.

بنابراین توسل نه از نظر عرف و فطرت مورد خدشه است و نه از جهت قرآن و عقل؛ چرا که در خود آیات قرآن بر ضرورت توسل به بزرگان و شایستگیانی چون پیامبر(ص) تأکید شده و از نظر عقلی نیز واسطه قرار دادن آنان هیچ گونه منافاتی با توحید و ابعاد مختلف آن ندارد.

توسل مجازی و حقیقی

حقیقت توسل همان خواست قلبی و کشش درونی متوسل نسبت به متوسل به برای قرب به متوسل الیه یعنی خداوند است و این همه در محور حقیقت است، نه مجاز. خواست و میل قلبی حقیقی، امری جدای از حقیقت وجودی شخص متوسل نیست. و لذا توسل به معنای هماهنگ ساختن حقیقت وجودی انسان و تحول جوهر و ذات فرد در راستای حقیقت وجودی ذوات مقدسه اولیاء الهی است که حقیقت این ذوات نیز به نوبه خود جلوه‌ای از مقام حق محض و کمال مطلق می‌باشد. وقتی روح شخص متوسل، از ارواح انبیاء و اولیاء معصوم(ع) رنگ می‌گیرد، در حقیقت مصطبغ به صبغة الله می‌شود و این، يك امر حقیقی است که آثار حقیقی به دنبال دارد. توسل حقیقتاً از مقوله تلفظ نیست گرچه از ناحیه اولیاء دین، الفاظ توسل و دعا نیز ماثور است. آنان، هم حقیقت توسل و هم الفاظ حاکی از حقیقت آن را تعلیم داده‌اند. اگر ما تنها به تلفظ بسنده کنیم هرگز نمی‌بایست توقع آثار توسل را داشته باشیم و علت اینکه بسیاری از دعاها و توسلات ما مستجاب نیست همین است، سر عدم استجاب دعا و توسل این است که مقصود و مطلوب ما در منظومه نظام احسن هستی نمی‌گنجد و خیر نیست و یا مقتضی آن - که همان انقلاب و تحول جوهری در اندرون ماست - موجود نمی‌باشد.

توسل و تقویت روح بندگی

از آثار با ارزش و اخلاقیِ توسل، ایجاد و تقویت روح بندگی و خضوع در انسان است. تأثیر توسل در این جهت از خود دعا نیز بیشتر است؛ چرا که دعا کردن و دست نیاز به سوی بی‌نیاز بی‌انباز کشیدن، گرچه از جلوه‌های بارز و نموده‌های روشن خضوع و بندگی در برابر پروردگار است و همین است که انسان را از اوج غرور و نخوت و خود بزرگ بینی به زیر می‌کشد و خاضع و فروتن می‌سازد با این حال در دعا و راز و نیاز مستقیم با خدا، گویی انسان خود را لایق و شایسته چنین مکالمه‌رو در روی و مستقیم دیده و آنگاه لب به سخن گشوده است، اما هنگامی که انسان برای تشرّف به بارگاه کبریایی و ملکوتی پروردگار، برگزیده‌ای را به وساطت می‌خواند و او را - از آن جهت که مقام و منزلت والاتری در نزد خداوند دارد - شفیع خویش می‌گیرد، گویی خود را کمتر از آن می‌بیند که مستقیماً در برابر ذات پاک ربوبی بایستد و با او راز گوید و حاجت خویش را از وی طلب کند. و این، اوج خضوع و خشوع و عبودیت عبد در برابر معبود است.

ما اگر در توسل، سر بر آستان پیامبر و معصومین (ع) می‌سائیم از آن جهت است که آنان را بنده صالح در بارگاه کبریائی حق (جلّ و علا) یافته‌ایم و خود نیز از آن جهت که لیاقت و شایستگی لازم برای حضور در محضر ربوبی را در خویش نمی‌یابیم، در برابر ذوات مطهر و مقدس این بندگان صالح، سر تسلیم و تعظیم فرود می‌آوریم؛ چرا که باور داریم - بر اساس قیاس مساوات - عبدالعبد عبد. اگر کسی بندگی بنده خدا را گردن نهد، در حقیقت و نهایتاً بندگی خدای را پذیرفته است.

استکبار، مانع توسل است

چنانکه اشاره نمودیم، جوهر توسل، عبودیت و خضوع است. شخص متوسل کسی است که برای خضوع و خشوع در برابر خداوند، حاضر است در برابر بنده‌ای از بندگان الهی تضرع و زاری نماید و از او طلب دعا کند و بدینوسیله خود را در آستان حق، حقیر و ذلیل و خاضع سازد تا شاید همین تحوّل و انقلاب درونی، سبب

پیدایش سنخیت با کمال مطلق شود و اسباب تقرب را فراهم آورد. پیداست که اگر شخصی دارای روحیه استکباری باشد و عجب و غرور و خود بزرگ بینی در جان او رسوخ کرده باشد حاضر به توسل نمی‌شود. کسانی که در برابر خداوند گردنفرازی دارند به طریق اولی در برابر انبیاء و معصومین (ع) نیز سر تعظیم فرود نخواهند آورد و اهل توسل نمی‌باشند. کسی که در برابر معصومین و انسانهای کامل که عبد خدایند حاضر به خضوع نیست دیر یا زود در برابر خداوند نیز گردنفرازی خواهد کرد.

قرآن کریم در آیه پنجم سوره منافقون به وضوح بدین لطیفه اشاره فرموده

است:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ.

آن هنگام که به آنان (منافقان) گفته می‌شود به نزد رسول خدا آئید تا ایشان از درگاه الهی برای شما آمرزش طلب نماید سر می‌پیچیدند و تو خود (ای رسول) می‌بینی که از روی استکبار و نخوت روی بر می‌تابند.

از این آیه به دست می‌آید که نقش و تأثیر توسل در اخلاق آدمی چگونه است. فرد و جامعه اهل توسل، هرگز اهل نفاق و استکبار نیستند و در تجربه‌های عینی نیز بخوبی می‌بینیم افرادی که اهل دعا و توسل اند بیش از سایرین از روحیه تواضع و فروتنی برخوردارند و به عکس کسانی که در برابر خالق هستی زانو نزده‌اند هرگز حاضر نیستند در برابر مخلوقات و بندگان صالح خداوندی تواضع و فروتنی به خرج دهند.

